



و ۵۱۲ توبت بازدید کارشناسان و بازرسان دامپزشکی از مراکز تولید، فرآوری، نگهداری، توزیع و عرضه فرآورده های خام دامی استان از ابتدای امسال تا پایان آبان ماه گفت: در این بازرسی ها در مجموع ۸۳ هزار و ۸۶۸ کیلوگرم انواع فرآورده های خام

جانشین رئیس اداره نظارت بر بهداشت عمومی و مواد غذایی اداره کل دامپزشکی خراسان شمالی از معدوم سازی بیش از ۷۲تن انواع فرآورده های خام دامی غیربهداشتی در استان طی ۸ ماه امسال خبر داد.محمدرضا خوشوقت با اشاره به ۵۱ هزار

معدوم سازی ۷۲ تن فرآورده خام دامی غیر بهداشتی

عبرت

هم‌صحبتی با شیطان

خیلی از اطرافیانم آرزو داشتند زندگی شان مثل زندگی من باشد. همسر عاشقم بود و برای رفاه و آسایش من از هیچ کاری دریغ نمی کرد و تمام امکانات یک زندگی خوب و آرام برایم فراهم بود. زندگی ما با تولد پسر، شیرین تر از قبل شد و ما نماد یک خانواده خوشبخت نزد فامیل و آشنایان بودیم. آن روزها خوشبختی را نفس می کشیدم و به زندگی ام عشق می ورزیدم، اما روزی که برای خرید به یکی از فروشگاه ها مراجعه و در قرعه کشی شرکت کردم، ورق برگشت. یکی از فروشندگان که پسر جوانی بود، من را زیر نظر داشت و تلاش می کرد به بهانه معرفی کالاها با من صحبت کند، من هم خیلی طبیعی با او رفتار می کردم و از نقشه اش بی خبر بودم اما روزی که تلفن همراهم به صدا در آمد و آن سوی خط متوجه شدم همان پسر با گفتن جملات عاشقانه، قصد دارد نظرم را به خود جلب کند متوجه همه چیز شدم. او شماره تلفنم را از قرم قرعه کشی پیدا کرده بود و با تعریف کردن از زیبایی، متانت و شخصیت من، قصد داشت افکارم را تسخیر کند. اگر چه برایش توضیح دادم که همسر و فرزند دارم و ۶ سال از او بزرگتر هستم، اما او زیر بار نمی رفت می گفت از روزی که من را دیده از خواب و خوراک افتاده است و با تمام وجود دوستم دارد. بعد از این که به تلفن های پی در پی او پاسخ ندم او به یکی از شبکه های اجتماعی که عضو آن بودم پناه آورد و با گذاشتن پیام ها و اشعار عاشقانه و زیبا توانست روحم را تسخیر کند. کم کم به خواندن این پیام ها عادت کردم و هر روز منتظر بودم جمله یا شعری از سوی این پسر جوان برایم ارسال شود و من چندین بار آن ها را دیوانه وار می خواندم. اندکی بعد پا را از این فراتر گذاشتم و در دنیای مجازی، به قول معروف با او چت کردم. حالا دیگر زندگی ام عوض شده بود و من آن مادر دلسوز و همسر نجیب نبودم بلکه به هم صحبتی با شیطان عادت و زندگی زناشویی را رها کرده بودم. دیگر از آن کانون گرم خانواده و کدبانوگری من خبری نبود و همسر نیز هر روز از این وضعیت گلایه می کرد. اما من حرف هایش را پشت گوش می انداختم و فقط به فکر این بودم که با آن پسر جوان که تمام رویایش رسیدن به من بود، صحبت کنم. هر روز بیشتر به او وابسته می شدم و سرانجام این وابستگی کار دستم داد. همسر که به تغییر رفتار های من مشکوک شده بود، یواشکی گوشی تلفن همراهم را بررسی کرده و پیام های رد و بدل شده بین من و پسر جوان را خوانده بود. روزی که در مقابل قاضی دادگاه نشسته بودم تا از حقم دفاع کنم هیچ پاسخی نداشتم و حالا باید یک عمر زندگی آبرومندانه و پسر ۱۰ ساله ام را فدای پیام های احمقانه ای کنم که جز از هم پاشیده شدن زندگی ام، چیز دیگری برابم نداشت.

معاون استاندار: تنها ۲۶ کیلومتر از ۴۰ کیلومتر وعده ۴ بانده کردن محور بجنورد-گلستان امسال محقق خواهد شد

آب پاکی روی وعده ها



قسمت رباط قره بیل به چشمه خان گفت: هم اکنون زیر سازی و بتن ریزی ۶ کیلومتر این قسمت به پایان رسیده است و با پرداخت مطالبات پیمانکار با انجام روکش آسفالت این ۶ کیلومتر نیز آماده بهره برداری می شود. وی خاطرنشان کرد: با شرایط موجود و انجام مراحل زیر سازی و آسفالت باند دوم ۲۶ کیلومتر از این محور، به طور قطع می توان از بهره برداری این ۲۶ کیلومتر تا پایان امسال خبر داد. «علی نیا» همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار ما در مورد پروژه پل ورودی راز و جرگلان به عنوان تنها قسمت باقی مانده از باند دوم ۲۰ کیلومتر جاده بجنورد به آشنخانه بیان کرد: اداره کل راه و شهرسازی استان در حال خرید عرشه پل است و مناقصه آن برگزار شد. وی اظهار امیدواری کرد: تا پایان سال این پل نیز به بهره برداری می رسد تا پس از آن دیگر به حضور دائمی پلیس برای کنترل این قسمت ۲۰ متری نیاز نباشد و پلیس راه بتواند از این نیروهای خود در دیگر بخش های جاده استفاده کند. وی در مورد قطعه پنجم این محور نیز گفت: عملیات اجرایی ۵ کیلومتر از این قطعه ۱۵ کیلومتری آغاز شده است. وی یادآور شد: بر اساس مصوبه هیئت دولت در سفر به خراسان شمالی هزار و ۶۵۰ میلیارد ریال برای ۴ بانده کردن محور

بجنورد- جنگل گلستان اختصاص یافت مقرر شده است این بودجه تا پایان سال ۱۳۹۵ تزییق شود و با روند موجود امیدواریم تا ابتدای سال ۹۶ عملیات ۴ بانده کردن تمام این محور به پایان برسد. وی تصریح کرد: هم اکنون ۱۰۰ میلیارد ریال بودجه برای این محور ابلاغ شده که به تدریج در حال پرداخت است. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان شمالی همچنین در مورد تقاطع متصل کننده کنارگذر شمالی بجنورد به محور بجنورد- گلستان گفت: کارگاه راه سازی در این پروژه نیز مشغول کار است و پروژه هم اکنون ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. وی افزود: به زودی بخشی از مطالبات پیمانکار در این قسمت پرداخت می شود. پروژه ۴ بانده کردن محور بجنورد- گلستان در سال ۱۳۸۷ آغاز شد و باید در سال ۱۳۹۲ به پایان می رسید اما به علت کمبود اعتبار بهره برداری از این پروژه به تأخیر افتاد. پس از حوادث خونین ۲۸ آبان سال گذشته توجهات به تأخیر در بهره برداری از این پروژه جلب شد و در سفر هیئت دولت به استان این پروژه در اولویت پروژه های مصوب قرار گرفت. روزنامه خراسان شمالی طی مدت یک سال اخیر بیش از ۵۰ خبر، گزارش، یادداشت و گفت و گو در مورد این جاده به چاپ رسانده است.

خراسان شمالی

در مراکز خاص صادر شد.وی با بیان این که طی این مدت ۱۶۹ پرونده تخلف بهداشتی برای متخلفان، تشکیل و به مراجع قضایی ذی صلاح استان ارجاع داده شد، ادامه داد: این امر به پلمب ۲ مرکز عرضه متخلف و صدور بیش از ۲۲۸ میلیون ریال جریمه نقدی برای متخلفان منجر شد.

در راهروی دادگاه خانواده

دروغ و غرور زندگی ما را نابود کرد

دلیل آماده مراسم عروسی شدم، اما شب قبل از عروسی به یکباره خانواده همسرم همه قول و قرارهایی را که هنگام مراسم خواستگاری در مورد عروسی گذاشته بودیم فراموش کردند و وقتی پدرم اعتراض کرد، پدر همسر به پدرم توهین کرد و این موضوع من را عصبانی کرد. روز عروسی وقتی در این باره نزد همسرم گلایه کردم او به شدت عصبانی شد و گفت در مراسم شرکت نمی کند. ما با هزینه بالا تعداد زیادی میهمان دعوت کرده بودیم و حالا سر یک موضوع کوچک همسرم می خواست مراسم را به هم بزند. من و خانواده ام برای راضی شدن همسرم هر کاری انجام دادیم اما وقتی میهمانان وارد تالار شدند از عروس خبری نبود. با این اتفاق آبروی خانواده ما رفت و پدرم به من گفت که در عمرش این اندازه تحقیر نشده است. با این اتفاق دیگر هیچ علاقه ای به همسرم در من وجود نداشت اما باز هم من دوست نداشتم که مهر طلاق در شناسنامه ام بنشیند و امیدوار بودم که او با آغاز زندگی مشترکمان سر عقل بیاید. پس از گذشت ۶ ماه از زندگی مشترک مان او نه تنها فرقی نکرد بلکه با کوچکترین بحثی بلافاصله قهر می کرد و بدون این که بخواهد با گفت و گو مشکل مان را برطرف کنیم یا به اتافی می رفت و در را روی خودش قفل می کرد و یا این که به خانه پدرش می رفت. من فکر می کردم با محبت کردن شاید او رفتارهای پچه گانه اش دست بردارد اما رفتار او هر روز بدتر از گذشته می شد و کار به جایی رسیده بود که با کوچکترین بهانه ای به من زُست درس خوان ها را گرفته بود. با آشکار شدن دروغ های آنان گمان می کردم همسرم و خانواده اش از این که من پی به دروغ هایش برده ام، خجالت زده می شوند اما به هیچ وجه به روی خودشان هم نمی آوردند و حتی همیشه با غرور با من و خانواده ام رفتار می کردند. با وجود همه بدرفتاری ها و دروغ های آنان چون دوست نداشتم کارمان به طلاق کشیده شود سعی کردم مدارا کنم. بعد از گذشت حدود یک سال از عقدمان امیدوار بودم با زندگی زیر یک سقف و دوری همسرم از خانواده اش کم کم فکرها ی ما به هم نزدیک شود و به همین

بزدلی صبحانه ..



با ما